

نقش توانایی مدیریتی بر ارتباط بین تجربیات مدیرعامل و عملکرد شرکت

نفسه جمالی فر^{۱*}
مهدی خلیلی^۲
مهدی کشاورز^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۸/۱۰

چکیده

مدیرعامل به عنوان بالاترین مقام اجرایی در یک شرکت شناخته می‌شود و یکی از ویژگی‌های مدیرعامل را می‌توان دوره تصدی او نامید؛ دوره تصدی مدیرعامل یک ویژگی بسیار مهم دیگر مدیرعامل است که بر عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد. یک دوره تصدی طولانی‌تر به مدیرعامل کمک می‌کند مهارت خود در راه یک دوره شکوفایی یا رکود اقتصادی به اثبات برساند. توانایی مدیریتی؛ استعداد، مهارت و تلاشی است که توسط مدیرعامل یا مدیران ارشد شرکت برای اتخاذ تصمیمات تجاری موفق استفاده می‌شود. مهارت‌ها، دانش و تجربیات مدیران می‌تواند تعارض شناختی ایجاد کند که تصمیم‌گیری گروهی می‌تواند از آن بهره‌مند شود، بنابراین، دوره تصدی مدیرعامل بر توانایی مدیریتی تأثیر می‌گذارد، که به واسطه‌ی توانایی مدیریتی بر عملکرد شرکت نیز مؤثر است. هدف این پژوهش؛ بررسی نقش توانایی مدیریتی بر ارتباط بین تجربیات مدیرعامل و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در این پژوهش برای اندازه‌گیری توانایی مدیریتی نیز از مدل دمیرجیان و همکاران (۲۰۱۲)، برای اندازه‌گیری تجربیات مدیرعامل از دوره تصدی مدیرعامل و برای اندازه‌گیری عملکرد شرکت از شاخص بازده حقوق صاحبان سهام، استفاده شد نمونه‌ی آماری شامل ۸۲ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ می‌باشد. آزمون فرضیات با استفاده از رگرسیون خطی و توسط نرم‌افزار ایویوز اجرا گردید. نتایج پژوهش نشان داد که تجربیات مدیرعامل با عملکرد شرکت و توانایی مدیریتی ارتباط مستقیم و معناداری دارد و همچنین توانایی مدیریت نقش میانجی جزئی بر ارتباط بین تجربیات مدیرعامل با عملکرد شرکت دارد.

واژگان کلیدی

توانایی مدیریتی، تجربیات مدیرعامل، عملکرد شرکت.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه رجا، قزوین، ایران. نویسنده مسئول:

Jamalifarsonia@gmail.com

۲. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه رجا، قزوین، ایران. Khalilimehdi@yahoo.com

۳. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه رجا، قزوین، ایران. Keshavarz20@yahoo.com

۱. مقدمه

عملکرد مالی اشاره به چگونگی افزایش، مدیریت و استفاده از سرمایه شرکت در فعالیت‌های تجاری دارد. عملکرد مالی همچون یکی از شاخص‌های سلامت مالی در یک بازه زمانی مشخص، استفاده می‌شود. همچنین عملکرد مالی برای تمامی ذینفعان در داخل و خارج شرکت، مورد توجه است. هر یک از این ذینفعان داخلی و خارجی (اعم از سهامداران، مدیران، کارکنان، تأمین کنندگان، رقبا، جامعه و ...) دارای منافع متفاوتی هستند. برای نمونه، سهامداران به کسب سود شرکت توجه دارند ولی بستانکاران به نقدینگی توجه دارند، در حالیکه برای دارندگان اوراق قرضه، جذب توانایی جریان نقدی مهم است. از دیدگاه گسترده‌تر، عملکرد شرکت علاوه بر اینکه بر طرف‌های درگیر تأثیر می‌گذارد، بلکه بر اقتصاد کشور نیز مؤثر است. لذا، شناسایی شاخص‌هایی که ممکن است قادر باشند عملکرد مالی شرکت را تحت تأثیر قرار دهند، ضروری است. به جز نسبت‌های مالی شرکت که بر عملکرد مالی مؤثرند، اخیراً حاکمیت شرکتی، هیأت مدیره، مسئولیت اجتماعی و شرایط کلان اقتصادی نیز اهمیت بسزایی در تغییر عملکرد مالی پیدا کرده‌اند. (وونگ^۱، ۲۰۲۲). توسعه بازارهای سرمایه با افزایش آگاهی سهامداران فشار روی شرکت‌ها برای عملکرد بهتر را افزایش داده است. یک شرکت در فرایند تصمیم‌گیری امری حیاتی و ضروری است، به گونه‌ای که یک شرکت ممکن است باوجود تولید محصول خوب، کنترل کیفیت منظم و ساختار تشکیلاتی منسجم و هماهنگ، به خاطر بحران مالی دچار ورشکستگی شود. بنابراین عملکرد مالی برای هر شرکت از الزامات انکارناپذیر است. پس بدون شک یکی از تصمیمات و اهداف اصلی شرکت‌ها، افزایش ثروت سهامداران بوده است و این امر به واسطه‌ی عملکرد مالی قابل قبول، حاصل می‌گردد (رحمانیان کوشکی و سلکی، ۱۴۰۰).

با توجه به اهمیت عملکرد شرکت برای شرکت، مدیران، سرمایه‌گذاران و تمامی ذینفعان، لذا شناخت عواملی که بر عملکرد شرکت تأثیرگذارند، با اهمیت می‌باشد و یکی از این عوامل مدیران شرکت‌ها می‌باشند. مسئولیت اداره شرکت و مسئولیت تمامی تصمیمات اخذ شده در شرکت بر عهده‌ی مدیرعامل است و می‌توان گفت بالاترین جایگاه در هر شرکتی، متعلق به مدیرعامل آن شرکت می‌باشد. در برخی از شرکت‌ها، مدیرعامل همان رئیس هیأت مدیره است و در برخی این گونه نیست. تمامی وظایف محول شده به مدیرعامل، مطابق با قوانین شرکتی، قابل محدود شدن و یا توسعه یافتن است. هنگامی که فردی برای سمت مدیرعاملی انتخاب شود، باید قراردادی با وی او منعقد گردد و همه‌ی مسئولیت‌های محول شده به وی تعیین گردد. مدیرعامل به عنوان بالاترین مقام اجرایی در یک شرکت شناخته می‌شود و از جمله وظایف وی می‌توان به تصمیم‌گیری در ارتباط با مسائل اصلی شرکت، تصمیم‌گیری در ارتباط با منابع مالی شرکت اشاره نمود. فلذا با توجه به اهمیت مدیرعامل در درون شرکت، ویژگی‌های وی با اهمیت به نظر می‌رسد (خو^۲ و همکاران، ۲۰۲۲).

یکی از ویژگی‌های مدیرعامل را می‌توان دوره تصدی او نامید؛ دوره تصدی مدیرعامل یک ویژگی بسیار مهم دیگر مدیرعامل است که بر عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد. یک دوره تصدی طولانی‌تر به مدیرعامل کمک می‌کند مهارت خود در را در یک دوره شکوفایی یا رکود اقتصادی به اثبات برساند و نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام شرکت (ساختار سرمایه) را حفظ کند. مدت تصدی مدیرعامل می‌تواند بر تصمیم‌گیری تأثیر بگذارد که به نوبه خود بر ثروت سهامداران تأثیر دارد. برای مثال ممکن است مدیرعامل‌هایی که نزدیک به بازنشستگی هستند بر اساس شاخص‌های جاری عملکرد مورد ارزیابی قرار بگیرند چون سرمایه‌گذاران همواره این شاخص‌ها را برای ارزیابی انتخاب کرده‌اند در حالیکه ممکن

¹ Vvong

² Xu

است بهترین راه برای ارزیابی مدیر عامل‌ها در سال‌های اولیه قراردادشان بر اساس شاخص‌های عملکرد بازار (آنهايي که بر چشم‌اندازهای شرکت تأثیر می‌گذارند) و تأثیر آنها بر ثروت سهامداران باشد (نسیم^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). بنابراین در این پژوهش به دنبال بررسی ارتباط بین تجربیات مدیرعامل (دوره تصدی مدیرعامل) و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران خواهیم بود.

توانایی مدیریتی؛ استعداد، مهارت و تلاشی است که توسط مدیر عامل یا مدیران ارشد شرکت برای اتخاذ تصمیمات تجاری موفق استفاده می‌شود. دمرجیان^۲ و همکاران (۲۰۱۲) نشان می‌دهد که توانایی مدیریتی با عملکرد بهتر شرکت مرتبط است. چن و لین^۳ (۲۰۱۸) دریافتند که شرکت‌هایی با توانایی مدیریتی بالا، بازده خرید و نگهداری بلندمدت بهتری را برای شرکت‌های خریدار ایجاد می‌کنند و حق بیمه کمتری را برای تملک پرداخت می‌کنند. در واقع، محققان متعددی تأثیر توانایی مدیریتی شرکت را بر اجزای مختلف شرکت مانند کارایی سرمایه‌گذاری، کارایی مالیاتی، کیفیت سود و نوآوری مستند می‌کنند. همچنین؛ از یک سو، مهارت‌ها، دانش و تجربیات متفاوت اعضای گروه در سنین مختلف می‌تواند تعارض شناختی ایجاد کند که تصمیم‌گیری گروهی می‌تواند از آن بهره‌مند شود. از سوی دیگر، تفاوت در ترجیحات، ارتباطات و تجربه می‌تواند باعث ایجاد تعارض عاطفی شود که توانایی گروه را برای تصمیم‌گیری خوب کاهش می‌دهد. بنابراین، به نظر می‌رسد که تجربیات مدیرعامل (دوره تصدی مدیرعامل) بر توانایی مدیریتی تأثیر می‌گذارد، که به نوبه خود بر عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد. بنابراین، نظریه یک مرحله میانی ضمنی وجود دارد، یعنی تأثیر تجربیات مدیرعامل بر توانایی مدیریت (خو و همکاران، ۲۰۲۲). بنابراین در این پژوهش به دنبال بررسی ارتباط بین تجربیات مدیرعامل (دوره تصدی مدیرعامل) و توانایی مدیریتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران خواهیم بود.

ضمناً در این استدلال که تجربیات مدیرعامل (دوره تصدی مدیرعامل) بر عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد، که در قبل ارائه شده است، این استدلال وجود دارد که تجربیات مدیرعامل (دوره تصدی مدیرعامل) بر توانایی آنها تأثیر می‌گذارد که به نوبه خود بر عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد. بنابراین، اثر میانجی توانایی مدیریتی بر رابطه بین تجربیات مدیرعامل و عملکرد شرکت مؤثر است. میانجی‌گری به این سؤال می‌پردازد که «چگونه» یا «با چه ابزاری» که متغیر مستقل بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارد. در این پژوهش، توانایی مدیریتی ابزاری است که از طریق آن تجربیات مدیرعامل بر عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد (خو و همکاران، ۲۰۲۲).

۲. مبانی نظری و ادبیات پژوهش

۲-۱. مبانی نظری

• عملکرد شرکت

عملکرد را تشریح نظام‌مند از نقاط قوت و ضعف عملکرد اشخاص و یا گروه‌ها در راستای اجرای وظایف محوله به آنان، تعریف می‌کنند. اگر کارایی به عنوان تناسب داده‌ها به ستاده‌ها عنوان گردد، ارزیابی عملکرد، کارایی تصمیمات اخذ شده توسط مدیران در راستای استفاده‌ی بهینه از منابع و امکانات را مورد سنجش قرار خواهد داد و به عبارتی، به فراگرد محاسبه عملکرد هر شرکتی در بازه زمانی خاص، به گونه‌ای که معیارها از قبل تعیین شده باشد، ارزیابی عملکرد گفته می‌-

¹ Naseem

² Demerjian

³ Chen & Lin

شود. سهامداران برای اداره شرکت‌ها نقشی نخواهند داشت چون هیأت مدیره در هر شرکتی رکن تصمیم‌گیرنده را به عهده دارد. همین امر منجر می‌گردد تا قدرت تصمیم‌گیری در اختیار اعضای هیأت مدیره باشد که این امر در تضاد با منافع ذینفعان است و ناشی از تفکیک مدیریت از مالکیت می‌باشد که توجه زیادی از پژوهشگران و اشخاص مختلف را معطوف به خود کرده است. در جهت ارزیابی مشکلات معطوف به تفکیک مدیران از سهامداران، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است که هر یک از آنها سعی بر این داشتند تا علت تضاد منافع بین مدیران و سهامداران را ریشه‌یابی کنند. در جهت تضاد منافع، شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری عملکرد مدیرها و ارائه‌ی مبنایی در راستای تعیین میزان پرداخت‌های انگیزشی به آنها استفاده شده‌اند، به همین دلیل، عملکرد را به عنوان مقایسه‌ی نتایجی که مورد انتظار هستند با نتایج واقعی که حاصل شده‌اند، تعریف کرده‌اند. عملکرد همچون سازه‌ای تشبیه می‌گردد که اشاره به چگونگی انجام عملیات شرکت دارد.

عملکرد فراگرد تعیین کارایی و کیفیت اثربخشی فعالیت‌های قبلی، نامیده می‌شود. با توجه به این تعریف، عملکرد به دو دسته تقسیم می‌گردد: (۱) اثربخشی که قادر است مقدار و میزان رسیدن به اهداف سازمان را تعیین می‌کند و در حالت معمول و عادی طور درجه و میزان انطباق برون‌دادها را با کیفیت، نیازهای مشتریان و در دسترس بودن تعیین می‌کند. (۲) کارایی که قادر است چگونگی استفاده از منابع طبیعی را به واسطه‌ی شرکت در جهت تولید محصولات و خدمات نشان دهد. محاسبه‌ی عملکرد شرکت‌ها به واسطه‌ی رسیدن آنها به هدف‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت می‌باشد. لذا عملکرد می‌تواند شاخص مناسبی به منظور رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده، نامیده شود. این ارزیابی میزان موفقیت شرکت‌ها را در راستای رسیدن به اهدافشان نشان می‌دهد. رویکردهای مختلفی به منظور ارزیابی عملکرد شرکت‌ها وجود دارد، ولی می‌توان چهار گروه ذیل را به عنوان با اهمیت‌ترین آنها نامید: (۱) رویکرد حسابداری، (۲) مدیریت مالی، (۳) اقتصادی و (۴) تلفیقی. از جمله شاخص‌هایی که برای اندازه‌گیری عملکرد، از آن استفاده می‌شود، ارزش افزوده اقتصادی است که توسط ارزش ایجاد شده شرکت، پرداخته و نشانگر چهره‌ی واقعی از ایجاد ثروت برای سهامداران می‌باشد. افزایش ارزش افزوده اقتصادی نشان‌دهنده‌ی افزایش ثروت سهامداران می‌باشد (مظفری و همکاران، ۱۳۹۸). یکی دیگر از معیارهای اندازه‌گیری عملکرد شرکت، شاخص کیوتوین می‌باشد که از طریق نسبت مجموع ارزش بازار سهام و ارزش دفتری بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت (کارتیساری و مریانتی، ۲۰۱۶) به دست می‌آید.

• تجربیات مدیرعامل

جایگاه مدیرعامل در شرکت به گونه‌ای است که می‌تواند در ترکیب و انتخاب اعضای هیأت مدیره نظر بدهد و این امر برای مدیرعاملانی با قدرت بالا، بیشتر است. در شرایط کلی، چنانچه دوره تصدی مدیرعامل (سال‌هایی متوالی که یک شخص مدیرعامل یک شرکت است) زیاد باشد، او در شرکت جایگاه با ثبات‌تری پیدا می‌کند و بدین واسطه قدرتش افزایش پیدا می‌کند. به همین دلیل است که انتظار داریم دوره تصدی مدیرعامل، عملکرد شرکت را تحت تأثیر قرار دهد. آدامز^۱ و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی که انجام دادند اثر دوره تصدی مدیرعامل بر بازده سهام را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که ارتباط معناداری بین دوره تصدی مدیرعامل و بازده سهام وجود ندارد. زمانی که دوره تصدی مدیرعامل افزایش پیدا می‌کند، مدیرعامل در جایگاه بالاتری به منظور انتقال و انتشار اطلاعات قرار می‌گیرد.

¹ Adams

مدیرعامل‌هایی که دوره تصدی طولانی‌تر دارند، به دلیل قدرتی که در دست دارند، پیوندی مابین شبکه اجتماعی قوی با منابع مالی به وجود می‌آورند و این امر می‌تواند بر انتخاب ساختار سرمایه شرکت توسط مدیرعامل، تأثیر بگذارد. دوره تصدی طولانی مدت، به مدیرعامل کمک می‌کند تا مهارت خود را دوره‌های مختلف اقتصادی (رشد یا رکود) به اثبات برساند. همچنین دوره تصدی شخص مدیرعامل تحت شرایط گوناگون بر تصمیمات وی تأثیر می‌گذارد و همین موضوع بر افزایش یا کاهش ثروت سهامداران تأثیرگذار است. برای نمونه، امکان دارد مدیرعاملی که به سن بازنشستگی رسیده است مطابق با شاخص‌های جاری عملکرد مورد ارزیابی قرار گیرد زیرا در آن بازه زمانی، سهامداران این شاخص را برای ارزیابی انتخاب کرده‌اند ولی بهترین راه برای ارزیابی آنان در سال‌های اولیه قراردادشان مطابق با شاخص‌های عملکرد بازار می‌باشد (نسیم و همکاران، ۲۰۲۰).

مسیر شغلی برای تمامی کارکنان مهم است زیرا بر تصمیم‌گیری و عملکرد آن فرد مؤثر است. در ادبیات حسابداری و مدیریتی، "دوره تصدی" مدیرعامل یکی از شاخص‌های ملاحظات مسیر شغلی در نظر گرفته شده است. دوره تصدی مدیرعامل و میزان ریسک‌پذیری مدیرعامل با هم مرتبطند. به دلیل اینکه در سال‌های اول تصدی مدیرعامل، شخص مدیرعامل نسبت به آینده و بقا درون شرکت اضطراب بیشتری دارد ممکن است ریسک‌پذیری کمتری داشته باشد و همین امر تصمیماتی که در ارتباط با ساختار سرمایه اخذ می‌کند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از جمله دغدغه‌های مدیرعامل برکنار شدن از این سمت می‌باشد و این امر نه تنها سبب از دست دادن شغل فعلی او می‌گردد بلکه ممکن است گزینه‌های مسیر شغلی آینده‌ی او را به کاهش دهد. دوره تصدی طولانی برای پیشینه‌سازی توانایی‌های حقیقی یک مدیرعامل حیاتی است (نسیم و همکاران، ۲۰۲۰).

• توانایی مدیریتی

در ادبیات مالی و حسابداری؛ یکی از مهم‌ترین ابعاد سرمایه‌ی انسانی هر شرکتی، توانایی مدیریتی عنوان شده است و آن را در دسته‌ی دارایی‌های نامشهود، طبقه‌بندی کرده‌اند. دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) بر این باورند که توانایی مدیریت کارایی مدیران در مقابل رقبا در زمینه‌ی تبدیل منابع شرکت به درآمد و سود می‌باشد. بهای موجودی‌ها، دارایی‌های ثابت، دارایی‌های نامشهود، هزینه‌های اداری و توزیع و فروش و همچنین هزینه تحقیق و توسعه همگی جزء منابعی هستند که به تولید درآمد شرکت کمک می‌کنند. هنگامی که مدیران شرکت توانایی بالایی داشته باشند، در انجام فعالیت‌های روزانه، کارآمدتر می‌گردند. همچنین در مواقعی که شرکت با بحران روبه‌رو گردد، مدیرانی که توانایی بیشتری دارند، قادرند تا تصمیمات مناسب‌تری در زمینه‌ی تأمین منابع مورد نیاز، اخذ کنند (آندرو^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). مدیران مهارت‌ها و شهرت خود را از طریق تصمیم‌گیری بهبود می‌بخشند و منبع ارزشمندی برای ایجاد ارزش برای شرکت‌ها ایجاد می‌کنند. تحقیقات توانایی مدیریتی به طور فزاینده‌ای در دانشگاه اهمیت دارد و مطالعات نشان می‌دهد که تأثیر آن بر بازده غیرمعمول، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، اجتناب مالیاتی، کاهش ارزش سرقفلی، مدیریت سود، ریسک‌آلودی و ساختار بدهی، مسئولیت اجتماعی شرکت و عملکرد تجاری پایدار مورد بررسی قرار گرفته است. مدیران با توانایی بالا تصمیمات مالی بهتری می‌گیرند و توانایی‌های آنها به شدت با تصمیمات مالی در سطح شرکت مرتبط است. آنها در انتقال اطلاعات مهم به بازار مهارت دارند و در صورت عملکرد ضعیف شرکت در آینده ممکن است با خطرات مالی و اعتبار بیشتری روبرو شوند. این و دمرجیان و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند چگونه مدیران توانمند اطلاعات مناسب سهامداران را برای

¹ Andreou

کاهش عدم تقارن اطلاعات و افزایش شهرت خود به بازار منتقل می‌کنند. بنابراین، مدیران با توانایی بالا به احتمال زیاد از بدهی برای نشان دادن توانایی برتر خود و متمایز کردن خود از مدیران با توانایی پایین تر استفاده می‌کنند (زهید^۱ و همکاران، ۲۰۲۳).

• تجربیات مدیرعامل و عملکرد شرکت

پژوهش‌هایی که ارتباط ثبات مدیرعامل را بر عملکرد شرکت بررسی کرده‌اند، معمولاً رویدادهای اعلامی ترکیبی هستند و همچنین شامل اطلاعاتی در مورد دلایل گردش مالی و همچنین ویژگی‌های جانشین هستند. هدف اصلی چنین مطالعاتی ارائه شواهدی در مورد اینکه آیا مدیر عامل جدید برای عملکرد شرکت اهمیت دارد یا خیر است. در یک مطالعه نظری، کازاماتا و گومبل^۲ (۲۰۱۰) رابطه پویا بین یک مدیر اجرایی طولانی مدت و جانشین او را مدل می‌کنند و ادعا می‌کنند که تصمیمات یک مدیر بر عملکرد شرکت در آینده تأثیر می‌گذارد، به طور بالقوه فراتر از دوره تصدی خود مدیر. با این حال، شواهد تجربی در مورد این رابطه وجود ندارد، و اینکه آیا و چگونه دوره تصدی مدیرعامل بر تصمیم‌گیری و عملکرد شرکت تحت مدیر عامل جدید تأثیر می‌گذارد، از نظر تجربی موضوعی تا حد زیادی ناشناخته باقی مانده است. اکثر مطالعات در حسابداری مالی بر ویژگی‌های تغییرناپذیر زمانی مدیر تأکید دارند. از سوی دیگر، برخی از مقالات از ادبیات مدیریت بر ویژگی‌های متغیر زمانی عملکرد مدیریت و تصمیم‌گیری تأکید می‌کنند. یک رشته از تحقیقات عملکرد پویا با هدف بررسی الگوهای عملکرد درون فردی و درک اینکه چه چیزی بر این الگوها تأثیر می‌گذارد، است. چارچوب‌های مفید برای تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر پویایی زمانی در عملکرد شغلی توسط مدل‌های تغییر موضوع و تغییر وظایف ارائه شده است (کلاک و لیلجبلوم^۳، ۲۰۲۲).

هامبریک و فوکوتومی^۴ (۱۹۹۱) پیشرفت یک دوره تصدی طولانی مدت مدیرعامل را که شامل پنج مرحله است، مدل می‌کنند که به موجب آن یک اثر زمانی منفی در آخرین مرحله «ناکارآمد» غالب است. شن و کانلا^۵ (۲۰۰۲) استدلال می‌کنند که استراتژی قوی ناشی از مدیران اجرایی با تصدی طولانی مدت می‌تواند مشکلات جدی برای جانشین ایجاد کند، زیرا استراتژی‌ها و ساختارهای ایجاد شده در طول تصدی طولانی مدت مدیرعامل قبلی ممکن است دیگر مناسب نباشند. مطالعات در ادبیات مالی به تأثیر زمانی بر عملکرد در ارتباط با دوره تصدی اعضای هیأت مدیره و مدیران عامل پرداخته است. هوانگ و هیلاری^۶ (۲۰۱۸) از یک رابطه معکوس یو شکل بین دوره تصدی مدیران خارجی و عملکرد شرکت شاخص کیوتوین (پشتیبانی می‌کنند، نتایج آنها نشان می‌دهد که طول دوره تصدی بهینه حدود ۱۰ سال است. بروشت^۷ و همکاران (۲۰۲۱) همچنین توضیحات جایگزین برای یافته‌های خود را مورد بحث قرار می‌دهند که یکی از آنها این است که مدیران عامل با عملکرد خوب ممکن است راحت‌تر برای اداره شرکت‌های بزرگ‌تر استخدام شوند، در حالیکه مدیران عامل با عملکرد ضعیف انگیزه بیشتری برای ماندن در کار دارند (کلاک و لیلجبلوم^۳، ۲۰۲۲).

¹ Zahid

² Casamatta & Guembel

³ Colak & Liljebloom

⁴ Hambrick & Fukutomi

⁵ Shen & Canella

⁶ Huang & Hilary

⁷ Brochet

بخش عمده‌ای از مقالات در مورد دوره تصدی مدیرعامل بر روی تأثیرات مدیریتی که با مدیرعامل بازنشسته مرتبط است، متمرکز است. با توجه به دلایل متعدد برای جابجایی (اختیاری در مقابل غیرارادی)، شرطی کردن دلیل جایگزینی (بازنشستگی، فرصت های جدید، مرگ ناگهانی یا اخراج غیر ارادی) برای جلوگیری از اثرات منفی و مثبت عملکرد ناشی از لغو تغییر مدیر عامل در مجموع ضروری است. یک عارضه عمده در مطالعات جانشینی و تغییر مدیرعامل این است که اثرات پس از جابجایی معمولاً رویدادهای مختلط هستند که در آنها به نحوه مقایسه مدیر عامل جدید با مدیر عامل قبلی اشاره می شود (این که تغییر برای بهتر یا بدتر شدن است)، بنابراین، مقالات در مورد جایگزینی مدیر عامل تمایل به مشروط کردن به ویژگی های جانشین دارند. دنیس^۱ و همکاران (۱۹۹۵) گزارش می دهند در حالیکه بازنشستگی عادی مدیران عامل افزایش اندکی در درآمد عملیاتی را به دنبال دارد، گردش مالی اجباری با کاهش بزرگ و قابل توجه در عملکرد عملیاتی و فعالیت های کنترل شرکتی شدید مقدم است. چنین جابجایی-های اجباری مدیران عامل نیز با پیشرفت-های زیادی در عملکرد به دنبال دارد (کلاک و لیلجلم، ۲۰۲۲).

خو و همکاران (۲۰۲۲) دریافتند که تنوع سنی مدیران ارشد با عملکرد شرکت ارتباط معنادار و معکوس دارد؛ حمید^۲ و همکاران (۲۰۲۲) نشان دادند که ارتباط مستقیم و معنادار مابین مدیر عامل با عملکرد مالی شرکت وجود دارد؛ رحمان و چن^۳ (۲۰۲۲) دریافتند که تأثیر سن مدیرعامل و دوره تصدی شخص مدیرعامل و ارتباط سیاسی وی، بر عملکرد شرکت معنادار و مستقیم است ولی جنسیت مدیرعامل و دوگانگی مدیرعامل دارای تأثیر معناداری بر عملکرد شرکت نیستند؛ سوهرمن^۴ و همکاران (۲۰۲۳) دریافتند که مدیرعامل زن، تحصیلات مدیرعامل و ملیت مدیرعامل عملکرد شرکت را افزایش می دهند؛ نازلین^۵ و همکاران (۲۰۲۳) به این نتیجه دست یافتند که قدرت تسلط اجتماعی (فقدان تنوع قومی-مذهبی-زبانی و جنسیتی) تضادهای آژانس را افزایش می دهد و عملکرد شرکت و ثبات مالی را در دوران پس از جنگ داخلی بدتر می کند؛ شان^۶ و همکاران (۲۰۲۳) ثابت کردند که خودشیفتگی مدیرعامل تأثیر مستقیم و معناداری بر عملکرد شرکت دارد؛ یه^۷ و همکاران (۲۰۲۳) به این نتیجه دست یافتند که پاداش مدیرعامل و نسبت دستمزد مدیرعامل در طول کووید-۱۹ افزایش یافته است. پوربختیاری و همکاران (۱۳۹۷) به این نتیجه دست یافتند که ارتباط معکوس و معنادار بین دوره تصدی مدیرعامل و عملکرد شرکت نیز وجود دارد؛ آقابگی بلداجی (۱۳۹۹) دریافت که تخصص مدیرعامل و دوره تصدی وی تأثیر مستقیم و معنادار بر عملکرد شرکت دارد ولی اثر دوگانگی مدیرعامل بر عملکرد شرکت معکوس و معنادار است؛ نعیمی (۱۴۰۰) دریافت خودشیفتگی مدیرعامل بر انحراف معیار عملکرد مالی تأثیر معنادار و مستقیم دارد؛ کوهپایه و همکاران (۱۴۰۰) ثابت کردند که دوگانگی نقش مدیرعامل ارتباط معنادار و معکوس با عملکرد مالی شرکت دارد؛ فروغی و رحیمی (۱۴۰۰) به این نتیجه دست یافتند که تأثیر قدرت مدیرعامل بر عملکرد شرکت (شاخص کیوتوبین و بازده حقوق صاحبان سهام) معنادار است؛ کوشا و همکاران (۱۴۰۱) نشان دادند جنسیت مدیرعامل و ارتباطات ساسی وی بر عملکرد شرکت مؤثر است.

¹ Denis

² Hamid

³ Rahman & Chen

⁴ Suherman

⁵ Nazliben

⁶ Shan

⁷ Ye

با توجه به مبانی نظری و تجربی ارائه شده در فوق و با توجه به یکسان بودن نتایج در ارتباط با ارتباط بین شاخص‌های مدیرعامل و عملکرد شرکت، لذا در این زمینه شکاف مطالعاتی وجود دارد، به همین دلیل در این پژوهش به دنبال بررسی ارتباط بین تجربیات مدیرعامل (دوره تصدی مدیرعامل) و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران خواهیم بود.

• توانایی مدیریتی، تجربیات مدیرعامل و عملکرد شرکت

تأثیر توانایی مدیریتی بر سیاست‌های شرکت مدت‌هاست با این فرض که مدیران تا حد زیادی واحدهای همگن هستند، نادیده گرفته شده است، که دلالت بر نقش محدودی برای تأثیر خاص مدیر بر نتایج اقتصادی دارد. اخیراً تعداد انگشت شماری از مطالعات این دیدگاه را با تشخیص اینکه مدیران از نظر اقتصادی نقش مهمی در انتخاب و عملکرد شرکت خود دارند، به چالش کشیده‌اند. اگرچه می‌توان استدلال کرد که رابطه بین توانایی مدیریتی شرکت و خط مشی شرکتی ساده است، یافته‌های قبلی اغلب متناقض بوده‌اند. به عنوان مثال، جریانی از ادبیات نشان می‌دهد که انتظار می‌رود مدیران توانمندتر با شهرت در خطر، اقدامات فرصت طلبانه رانت‌طلبی را که به ارزش شرکت آسیب می‌زند، رد کنند، زیرا چنین رفتاری می‌تواند توانایی و جایگاه آن‌ها را که توسط سهامداران و سرمایه‌گذاران درک می‌شود خدشه‌دار کند. با این حال، جریان متفاوتی از ادبیات استدلال می‌کند که مدیران توانمندتر ممکن است تصمیم بگیرند برای حفظ سرمایه انسانی و شهرت خود مانند مدیریت نادرست سرمایه‌گذاری یا کسب درآمد را دنبال کنند، علی‌رغم این واقعیت که این اقدامات معمولاً ارزش شرکت را کاهش می‌دهند. چنین شواهد ترکیبی نشان می‌دهد که رابطه توانایی مدیریت با سیاست و نتایج شرکت هنوز به یک اجماع نرسیده است. شاید، این مناقشه به دلیل اثرات مخدوش کننده ناشی از مشکلات درون زایی باشد که به موجب آن درک همزمان متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی مورد نظر بر یکدیگر تأثیر می‌گذارد (اندرو^۱، ۲۰۱۷).

پژوهش‌های متعددی تأثیر توانایی مدیریتی شرکت را بر اجزای مختلف شرکت بررسی کرده‌اند. بو^۲ و همکاران (۲۰۲۱) به این نتیجه رسیدند که توانایی مدیران ارتباط مستقیم و معناداری با عملکرد شرکت دارد و تینگ^۳ و همکاران (۲۰۲۱) نیز دریافتند که توانایی مدیریت ارتباط مستقیمی با عملکرد شرکت دارد. پوربختیاری و همکاران (۱۳۹۷) به این نتیجه دست یافتند که ارتباط معنادار ولی معکوسی مابین توانایی مدیرعامل و عملکرد شرکت است؛ معصومی کیان و یگانه (۱۴۰۱) دریافتند که توانایی مدیریتی اثر مستقیم و معنادار بر عملکرد شرکت‌ها دارد؛ دباغ و همکاران (۱۴۰۲) ثابت کردند که توانایی مدیریت بر عملکرد شرکت تأثیر معنادار و مستقیم دارد. از سوی دیگر؛ گل محمدی شورکی و جعفری (۱۴۰۰) دریافتند که افق شغلی مدیرعامل اثر مستقیم و معنادار بر توانایی مدیریتی (توانایی مدیرعامل) دارد؛ گل محمدی شورکی و همکاران (۱۴۰۰) دریافتند که دانش مالی مدیرعامل اثر مستقیم و معنادار بر توانایی مدیریتی (توانایی مدیرعامل) دارد.

به نظر می‌رسد که تجربیات مدیرعامل (دوره تصدی مدیرعامل) بر توانایی مدیریتی تأثیر می‌گذارد، که به نوبه خود بر عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد. بنابراین، نظریه یک مرحله میانی ضمنی وجود دارد، یعنی تأثیر تجربیات مدیرعامل بر توانایی مدیریت. به دلیل عدم بررسی این موضوع در بین پژوهش‌های مختلف، لذا در این زمینه شکاف مطالعاتی وجود

¹ Andreou

² Buhitta

³ Ting

دارد. بنابراین در این پژوهش به دنبال بررسی ارتباط بین تجربیات مدیرعامل (دوره تصدی مدیرعامل) و توانایی مدیریتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران خواهیم بود.

۲-۲. پیشینه پژوهش

رشیدی (۱۴۰۲) به پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه توانایی مدیریتی و نوسان‌پذیری عملکرد با تأکید بر آشفتگی مالی» پرداخت. وی به این نتیجه دست یافت که توانایی مدیریتی تأثیر معناداری بر نوسان‌پذیری عملکرد مالی دارد و آشفتگی مالی نیز تأثیر توانایی مدیریت بر عملکرد مالی را تضعیف می‌کند. آقابگی بلداجی (۱۳۹۹) به پژوهشی تحت عنوان «تأثیر دوگانگی وظیفه، دوره تصدی و تخصص مدیر عامل بر عملکرد شرکت با در نظر گرفتن نقش تعدیلی ساختار سرمایه» پرداخت. او به این نتیجه دست یافت که تخصص مدیرعامل و دوره تصدی وی تأثیر مستقیم و معنادار بر عملکرد شرکت دارد ولی اثر دوگانگی مدیرعامل بر عملکرد شرکت معکوس و معنادار است. پوربختیاری و همکاران (۱۳۹۷) به پژوهشی تحت عنوان «توانایی مدیرعامل و عملکرد شرکت» پرداختند. آنها به این نتیجه دست یافتند که ارتباط معنادار ولی معکوسی مابین توانایی مدیرعامل و عملکرد شرکت است و همچنین همین ارتباط معکوس و معنادار بین دوره تصدی مدیرعامل و عملکرد شرکت نیز وجود دارد.

سوه‌رمن^۱ و همکاران (۲۰۲۳) به پژوهشی تحت عنوان «ویژگی‌های مدیرعامل و عملکرد شرکت: شواهدی از یک کشور آسیای جنوب شرقی» پرداختند. آنان دریافتند که مدیرعامل زن، تحصیلات مدیرعامل و ملیت مدیرعامل عملکرد شرکت را افزایش می‌دهند، در حالیکه سن مدیرعامل می‌تواند عملکرد شرکت را بهبود یا کاهش دهد. خو^۲ و همکاران (۲۰۲۲) به پژوهشی تحت عنوان «تنوع سنی، عملکرد شرکت و توانایی مدیریتی» پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که تنوع سنی مدیران ارشد با عملکرد شرکت ارتباط معنادار و معکوس دارد و همچنین ارتباط معکوس بین تنوع سنی مدیران ارشد و عملکرد شرکت توسط توانایی مدیریتی واسطه می‌شود. رحمان و چن^۳ (۲۰۲۲) به پژوهشی تحت عنوان «ویژگی‌های مدیرعامل و عملکرد شرکت: شواهدی از شرکت‌های خصوصی فهرست شده در چین» پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از تأثیر مستقیم و معنادار سن مدیرعامل دوره تصدی شخص مدیرعامل و ارتباط سیاسی وی، بر عملکرد شرکت می‌باشد در حالیکه جنسیت مدیرعامل و دوگانگی مدیرعامل دارای تأثیر معناداری بر عملکرد شرکت نیستند.

۳. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی (۱) تجربیات مدیرعامل با عملکرد شرکت ارتباط معناداری دارد.

فرضیه اصلی (۲) تجربیات مدیرعامل با توانایی مدیریتی ارتباط معناداری دارد.

فرضیه اصلی (۳) توانایی مدیریت نقش میانجی بر ارتباط بین تجربیات مدیرعامل با عملکرد شرکت دارد.

فرضیه (۱-۳) توانایی مدیریت نقش میانجی جزئی بر ارتباط بین تجربیات مدیرعامل با عملکرد شرکت دارد.

فرضیه (۲-۳) توانایی مدیریت نقش میانجی کامل بر ارتباط بین تجربیات مدیرعامل با عملکرد شرکت دارد.

¹ Suherman

² Xu

³ Rahman & Chen

۴. روش پژوهش

۴-۱. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از این رو که در پی یافتن رابطه معنی‌داری بین متغیرهای پژوهش می‌باشد و همین‌طور به دلیل اینکه به مطالعه حدود تغییرات متغیر وابسته، با توجه به حدود تغییرات متغیرهای مستقل، می‌پردازد، در زمره پژوهش‌های توصیفی-همبستگی قرار می‌گیرد. بنابراین روش پژوهش از نظر ماهیت و محتوایی، یک پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی می‌باشد که برای کشف همبستگی بین متغیرها به روش پس‌رویدادی عمل می‌کند. همچنین پژوهش حاضر از لحاظ نوع کار تحقیقاتی و از نظر هدف، کاربردی می‌باشد که از اطلاعات واقعی و روش‌های مختلف آماری برای رد یا عدم رد فرضیه استفاده می‌گردد، و در حوزه نظریه‌های اثباتی قرار می‌گیرد. روش انجام این پژوهش در چارچوب استدلال قیاسی-استقرایی می‌باشد، بدین معنی که مبانی نظری و پیشینه پژوهش از راه مطالعات کتابخانه‌ای، مقالات و سایت‌های معتبر در قالب قیاسی و گردآوری اطلاعات برای تأیید یا رد فرضیه در قالب استقرایی می‌باشد.

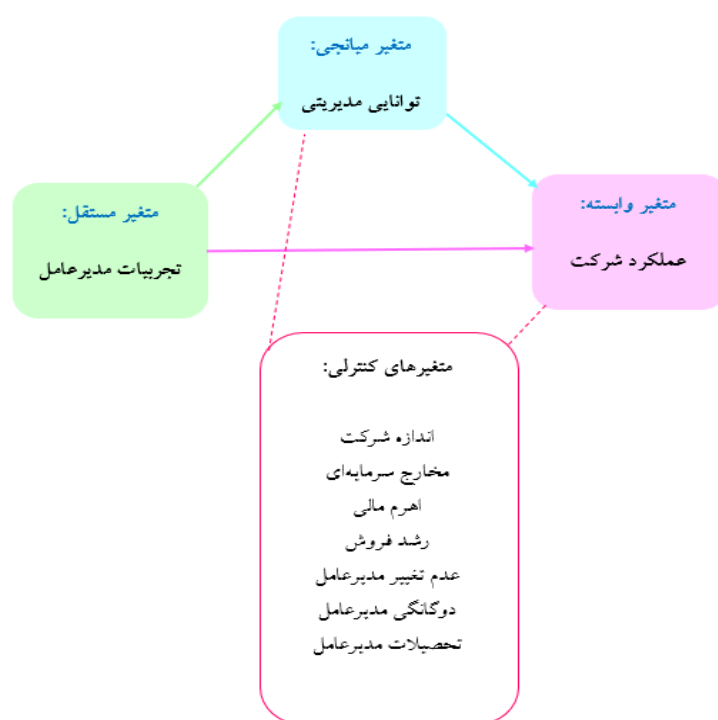
۴-۲. ابزار گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات مربوط به داده‌های پژوهش به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و آرشیوی می‌باشد و برای جمع‌آوری اطلاعات در این راستا از سایت رسمی سامانه اطلاع‌رسانی ناشران (کدال) و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استفاده می‌شود.

۴-۳. جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ می‌باشد. و نمونه آماری نیز به صورت حذفی سیستماتیک (غربالگری) انتخاب گردید و ۸۲ شرکت در ۱۰ سال مالی (۸۲۰ سال-بانک) مورد بررسی قرار گرفتند.

۴-۴. مدل‌های پژوهش



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

برای بررسی فرضیه اول پژوهش و بررسی ارتباط بین تجربیات مدیرعامل و عملکرد شرکت از مدل رگرسیونی (۱) استفاده می‌شود:

$$TQ_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 CEOTenure_{it-1} + \alpha_2 LogTA_{it-1} + \alpha_3 CapEx_{it-1} + \alpha_4 Leverage_{it-1} + \alpha_5 Growth_{it-1} + \alpha_6 CEOout_{it-1} + \alpha_7 CEODual_{it-1} + \alpha_8 CEOEduc_{it-1} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

برای بررسی فرضیه دوم پژوهش و بررسی ارتباط بین تجربیات مدیرعامل و توانایی مدیریتی از مدل رگرسیونی (۲) استفاده می‌شود:

$$MA_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 CEOTenure_{it-1} + \alpha_2 LogTA_{it-1} + \alpha_3 CapEx_{it-1} + \alpha_4 Leverage_{it-1} + \alpha_5 Growth_{it-1} + \alpha_6 CEOout_{it-1} + \alpha_7 CEODual_{it-1} + \alpha_8 CEOEduc_{it-1} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

برای بررسی فرضیه سوم پژوهش و بررسی ارتباط بین تجربیات مدیرعامل به واسطه‌ی توانایی مدیریتی با عملکرد شرکت از مدل رگرسیونی (۳ و ۲) استفاده می‌شود:

$$TQ_{it} = \lambda_0 + \lambda_1 CEOTenure_{it-1} + \lambda_2 MA_{it-1} + \lambda_3 LogTA_{it-1} + \lambda_4 CapEx_{it-1} + \lambda_5 Leverage_{it-1} + \lambda_6 Growth_{it-1} + \lambda_7 CEOout_{it-1} + \lambda_8 CEODual_{it-1} + \lambda_9 CEOEduc_{it-1} + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

چنانچه در مدل‌های رگرسیونی ۳ و ۲ سطح معناداری ضرایب $(\lambda_1 - \lambda_2 - \beta_1)$ کمتر از ۰/۰۵ حاصل شود، نقش میانجی (واسطه‌ای) توانایی مدیریتی بر ارتباط بین تجربیات مدیرعامل و عملکرد شرکت جزئی است و فرضیه ۳-۱ تأیید می‌شود و همچنین اگر در مدل‌های رگرسیونی فوق سطح معناداری ضرایب $(\lambda_2 - \beta_1)$ کمتر از ۰/۰۵ حاصل شود، نقش میانجی (واسطه‌ای) توانایی مدیریتی بر ارتباط بین تجربیات مدیرعامل و عملکرد شرکت کامل است و فرضیه ۳-۲ تأیید می‌شود.

۴-۵. تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

جدول ۱- تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	نحوه محاسبه متغیر
عملکرد شرکت	TQ	برای اندازه‌گیری عملکرد شرکت از شاخص کیوتوین استفاده می‌شود: $\text{ارزش بازار سهام} + \text{ارزش دفتری بدهی‌ها} \\ \text{جمع کل دارایی‌ها} = \text{شاخص کیوتوین}$
تجربیات مدیرعامل	CEOTenure	تعداد سال‌های تصدی مدیرعامل (برای اولین سال تصدی عدد ۱، برای سال دوم تصدی عدد ۲ و ...)
توانایی مدیریتی	MA	برای اندازه‌گیری توانایی مدیریتی از مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده می‌شود، مطابق با پژوهش‌های دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) با استفاده از تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها، کارایی شرکت با مقایسه فروش آن با شرط ورودی‌های استفاده شده توسط هر یک از شرکت‌ها (شامل: بهای تمام شده کالای فروش رفته، هزینه فروش و اداری، خالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات، خالص مخارج تحقیق و توسعه، سرقفلی خریداری شده و دیگر دارایی‌های نامشهود خریداری شده) برآورد می‌شود. $Max_v \theta \\ = \frac{Sales}{v_1 CoGS + v_2 SG\&A + v_3 PPE + v_4 R\&D + v_5 Goodwil + v_6 OtherIntan}$ کارایی محاسبه شده مطابق با روش بالا منحصر به مدیران نبوده و کل شرکت را در بر می‌گیرد. برای مثال، هرچند که مدیران توانا صرف‌نظر از اندازه شرکت قادر به پیش‌بینی روندها در شرکت هستند، اما معمولاً مدیرانی که در شرکت‌های بزرگ فعالیت می‌کنند، راحت‌تر با تأمین‌کنندگان منابع خود مذاکره و گفت‌وگو می‌کنند. از این رو، برای خنثی کردن اثرات شرکت، با استفاده از معادله (۲) و کارایی کل محاسبه شده برای شرکت در معادله (۱) مقدار باقی‌مانده به عنوان کارایی (توانایی) مدیران در نظر گرفته می‌شود.

نام متغیر	نماد متغیر	نحوه محاسبه متغیر
		$\text{Firm Efficiency} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Ln (Total Assets)} + \alpha_2 \text{Market Share} + \alpha_3 \text{Positive Free Cash Flow} + \alpha_4 \text{Ln (Age)} + \alpha_5 \text{Year Indicators} + \varepsilon_0$ Total Assets: جمع دارایی‌ها؛ Market share: سهم بازار (فروش شرکت به فروش صنعت) Positive Free Cash Flow: جریان وجه نقد مثبت (اگر جریان وجه نقد مثبت باشد به این متغیر عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می‌گیرد). Age: عمر شرکت (اختلاف بین سال تأسیس شرکت با سال مورد بررسی). Year Indicators: شاخص کل بهای کالا و خدمات مصرفی که از سایت بانک مرکزی استخراج می‌گردد. ε: باقی‌مانده مدل است که به عنوان توانایی مدیریتی در نظر گرفته می‌شود.
اندازه شرکت	LogTA	لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت
مخارج سرمایه‌ای	CapEx	$\frac{\text{مخارج سرمایه‌ای}}{\text{کل دارایی‌ها}}$ مخارج سرمایه‌ای = دارایی‌های مشهود ابتدای دوره - دارایی‌های مشهود پایان دوره + هزینه استهلاک
اهرم مالی	Leverage	$\frac{\text{کل بدهی‌ها}}{\text{کل دارایی‌ها}}$
رشد فروش	Growth	$\frac{\text{فروش سال جاری} - \text{فروش سال قبل}}{\text{فروش سال قبل}}$
عدم تغییر مدیرعامل	CEOout	اگر مدیرعامل شرکت، سال قبل هم مدیرعامل شرکت باشد (مدیرعامل تغییر نکرده باشد) به این متغیر عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می‌گیرد.
دوگانگی مدیرعامل	CEODual	اگر مدیرعامل، رئیس هیأت مدیره هم باشد به این متغیر عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می‌گیرد.
تحصیلات مدیرعامل	CEOeduc	اگر مدیرعامل، دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر باشد به این متغیر عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می‌گیرد.

منبع: خو و همکاران (۲۰۲۲)

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. آمار توصیفی

در این قسمت، شاخص‌های مرکزی، پراکندگی و نحوه توزیع متغیرهای پژوهش ارائه می‌گردد:

جدول ۲- شاخص‌های مرکزی، پراکندگی و نحوه توزیع متغیرهای پژوهش

متغیرها	نمونه	میانگین	میان	پیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
TQ	۸۲۰	۱/۵۷	۱/۳۷	۳/۹۸	۰/۱۹	۰/۷۱	۱/۲۵	۴/۲۵
CEOTenure	۸۲۰	۲/۵۷	۲/۰۰	۱۰/۰۰	۱/۰۰	۱/۹۰	۱/۴۶	۴/۷۵
MA	۸۲۰	۰/۱۶	۰/۱۲	۰/۸۷	۰/۰۰۰۷	۰/۱۴	۱/۷۸	۵/۲۹
LogTA	۸۲۰	۱۴/۵۸	۱۴/۴۴	۲۰/۱۲	۱۱/۰۳	۱/۴۹	۰/۶۰	۳/۷۹
CapEx	۸۲۰	۰/۳۰	۰/۲۴	۰/۹۹	-۰/۰۴	۰/۲۲	۰/۸۹	۳/۱۵
Leverage	۸۲۰	۰/۵۷	۰/۵۹	۰/۹۹	۰/۰۳	۰/۲۰	-۰/۳۷	۲/۵۴
Growth	۸۲۰	۰/۱۷	۰/۱۸	۰/۹۹	-۰/۹۳	۰/۳۸	-۰/۴۵	۳/۲۵

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج جدول فوق، بیشینه و کمینه را نشان می‌دهد که کران بالا و پایین هر مشاهده هستند. به منظور تعیین پراکندگی داده‌ها از شاخص انحراف معیار استفاده شد که مقدار کم و نزدیک به صفر این شاخص حاکی از پراکندگی کم را دارد که عملکرد شرکت، توانایی مدیریتی، مخارج سرمایه‌ای، اهرم مالی و رشد شرکت دارای پراکندگی کم و نزدیک به صفر هستند و تجربیات مدیرعامل نیز به دلیل تفاوت در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات شرکتی در صنایع مختلف و تفاوت در سال‌های تصدی مدیرعاملان در هر شرکت کمی از صفر فاصله گرفته است که قابل توجه است، پراکندگی اندازه شرکت نیز کمی از صفر فاصله گرفته است که دلیل آن تفاوت بودن دارایی‌های شرکت‌ها در صنایع مختلف در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. به منظور تعیین تقارن داده‌ها از شاخص‌های چولگی و کشیدگی استفاده شده است، چولگی مثبت حاکی از تجمع داده‌ها در سمت راست را دارد و این نیز بدان معناست که حجم اکثر مشاهدات مربوط به این متغیرها از میانگین کمتر است و عملکرد شرکت، تجربیات مدیرعامل، توانایی مدیریتی، اندازه شرکت و مخارج سرمایه‌ای دارای چولگی مثبت هستند. در مقابل؛ چولگی منفی حاکی از تجمع داده‌ها در سمت چپ را دارد و این نیز بدان معناست که حجم اکثر مشاهدات مربوط به این متغیرها از میانگین بیشتر است و اهرم مالی و رشد شرکت دارای چولگی منفی هستند. کشیدگی نیز تجمع داده‌ها در قله‌ی توزیع نرمال را نشان می‌دهد و اگر مثبت باشد حاکی از قرار گرفتن قله توزیع متغیر بالاتر از توزیع نرمال را دارد که عملکرد شرکت، تجربیات مدیرعامل، توانایی مدیریتی، اندازه شرکت، مخارج سرمایه‌ای، اهرم مالی و رشد شرکت دارای کشیدگی مثبت هستند.

تعدادی از متغیرهای پژوهش اعم از عدم تغییر مدیرعامل (ثبات مدیرعامل)؛ دوگانگی مدیرعامل و تحصیلات مدیرعامل متغیرهای مجازی هستند، به همین دلیل در جدول ۳ برای این متغیرها فراوانی ارائه می‌گردد:

جدول ۳- فراوانی متغیرهای مجازی پژوهش

متغیرها	تعداد	تعداد و درصد فراوانی عدد صفر	تعداد و درصد فراوانی عدد یک
CEOout	۸۲۰	۲۴۶	۵۷۴
CEODual	۸۲۰	۸۱۳	۷
CEOEduc	۸۲۰	۲۹۹	۵۲۱

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به نتایج جدول ۳ می‌توان دریافت که شرکت ۲۴۶ از ۸۲۰ نمونه آماری در سال‌های مورد بررسی تغییر مدیرعامل نسبت به سال قبل داشته‌اند ولی ۵۷۴ نمونه از ۸۲۰ نمونه آماری طی سال‌های مورد بررسی تغییر مدیرعامل نسبت به سال قبل، نداشته‌اند. ۸۱۳ شرکت از ۸۲۰ نمونه آماری دارای دوگانگی نقش مدیرعامل نیستند و این بدان معناست که مدیرعامل این دسته از شرکت‌ها متفاوت از رئیس هیأت مدیره آن شرکت است و فقط ۷ شرکت از ۸۲۰ نمونه آماری طی برخی از سال‌ها دارای دوگانگی نقش مدیرعامل بوده‌اند. همچنین مدیرعاملان ۲۹۹ شرکت از ۸۲۰ نمونه آماری دارای مدرک کارشناسی و کمتر هستند ولی در ۵۲۱ شرکت از ۸۲۰ نمونه آماری مدیرعاملان دارای مدرک کارشناسی ارشد یا دکترا هستند.

۲-۵. آزمون فرضیه‌های پژوهش

جدول ۴-آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر وابسته: عملکرد شرکت (TQ)				
متغیرها	ضریب	خطا	آماره t استیودنت	سطح معناداری آماره t استیودنت
C	۱/۹۵	۰/۳۵	۵/۵۴	۰/۰۰۰۰
CEOTenure	۰/۰۳	۰/۰۱	۱/۹۶	۰/۰۵۰۳
LogTA	-۰/۰۰۹	۰/۰۲	-۰/۴۲	۰/۶۷۱۲
CapEx	۰/۲۰	۰/۱۰	۱/۹۱	۰/۰۵۶۴
Leverage	-۰/۵۷	۰/۱۴	-۳/۹۱	۰/۰۰۰۱
Growth	۰/۱۴	۰/۰۶	۲/۲۶	۰/۰۲۳۵
CEOout	-۰/۱۱	۰/۰۶	-۱/۹۱	۰/۰۵۶۱
CEODual	-۰/۵۶	۰/۲۸	-۱/۹۷	۰/۰۴۸۱
CEOeduc	۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۳۶	۰/۷۱۳۹
ضریب تعیین		۰/۳۴۴۵	ضریب تعیین تعدیل شده	
آماره F		۴/۷۲	سطح معناداری آماره F	
آماره دوربین واتسون		۱/۶۱		

منبع: یافته‌های پژوهشگر

ضریب تجربیات مدیرعامل، مخارج سرمایه‌ای، رشد شرکت و تحصیلات مدیرعامل مثبت است که نشان‌دهنده ارتباط مستقیم بین تجربیات مدیرعامل، مخارج سرمایه‌ای، رشد شرکت و تحصیلات مدیرعامل با عملکرد شرکت می‌باشد ولی ضریب اندازه‌ی شرکت، اهرم مالی، دوگانگی و عدم تغییر مدیرعامل منفی است که نشان‌دهنده ارتباط معکوس بین اندازه‌ی شرکت، اهرم مالی، دوگانگی و عدم تغییر مدیرعامل با عملکرد شرکت است.

سطح معناداری آماره‌ی t استیودنت تجربیات مدیرعامل برابر با ۰/۰۵ می‌باشد و چون این مقدار برابر با سطح معناداری مجاز (۰/۰۵) است، لذا با احتیاط می‌توان این مقدار را قابل قبول دانست و بیان کرد که با ۹۵٪ اطمینان (و یا می‌توان با ۹۰٪ اطمینان) تجربیات مدیرعامل با عملکرد شرکت ارتباط معنادار دارد. سطح معناداری آماره‌ی t استیودنت اهرم مالی، رشد شرکت و دوگانگی مدیرعامل کمتر از ۰/۰۵ است به همین دلیل با ۹۵٪ اطمینان اهرم مالی، رشد شرکت و دوگانگی مدیرعامل با عملکرد شرکت ارتباط معنادار دارد. از آنجایی که سطح معناداری عدم تغییر مدیرعامل و مخارج سرمایه‌ای مقدار خیلی کمی (فقط چند هزارم) از ۰/۰۵ بیشتر است لذا می‌توان با ۹۰٪ اطمینان عنوان نمود که عدم تغییر مدیرعامل و مخارج سرمایه‌ای ارتباط معناداری با عملکرد شرکت دارند. سایر متغیرهای کنترلی اعم از اندازه شرکت و تحصیلات مدیرعامل ارتباط معناداری با توانایی مدیریت ندارند چون سطح معناداری آنها از مقدار مجاز (۰/۰۵) بیشتر است.

جدول ۵-آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیر وابسته: توانایی مدیریتی (MA)				
متغیرها	ضریب	خطا	آماره t استیودنت	سطح معناداری آماره t استیودنت
C	۰/۱۰	۰/۰۸	۱/۲۵	۰/۲۰۸۳
CEOTenure	۰/۰۰۶	۰/۰۰۳	۱/۹۹	۰/۰۴۶۰
LogTA	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۱/۰۷	۰/۲۸۳۰
CapEx	-۰/۰۴	۰/۰۲	-۱/۹۳	۰/۰۵۳۲

۰/۹۲۶۶	۰/۰۹	۰/۰۳	۰/۰۰۲	Leverage
۰/۶۹۹۴	۰/۳۸	۰/۰۱	۰/۰۰۴	Growth
۰/۷۹۷۴	۰/۲۶	۰/۰۱	۰/۰۰۲	CEOout
۰/۷۴۸۷	-۰/۳۲	۰/۰۵	-۰/۰۱	CEODual
۰/۷۴۴۰	۰/۳۲	۰/۰۱	۰/۰۰۳	CEOeduc
۰/۳۰۲۳	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۱۲۱	ضریب تعیین	
۰/۰۰۹۸	سطح معناداری آماره F	۲/۲۴	آماره F	
۱/۶۰		آماره دوربین واتسون		

منبع: یافته‌های پژوهشگر

ضریب تجربیات مدیرعامل، رشد شرکت، اندازه‌ی شرکت، اهرم مالی، عدم تغییر مدیرعامل و تحصیلات مدیرعامل مثبت است که نشان‌دهنده ارتباط مستقیم بین تجربیات مدیرعامل، رشد شرکت، اندازه‌ی شرکت، اهرم مالی، عدم تغییر مدیرعامل و تحصیلات مدیرعامل با توانایی مدیریتی می‌باشد ولی ضریب دوگانگی مدیرعامل و مخارج سرمایه‌ای منفی است که نشان‌دهنده ارتباط معکوس بین دوگانگی مدیرعامل و مخارج سرمایه‌ای با توانایی مدیریتی است.

سطح معناداری آماره‌ی t استیودنت تجربیات مدیرعامل برابر با ۰/۰۴ می‌باشد و چون این مقدار کمتر از سطح معناداری مجاز (۰/۰۵) است، می‌توان بیان کرد که با ۹۵٪ اطمینان تجربیات مدیرعامل با توانایی مدیریت ارتباط معنادار دارد. سطح معناداری مخارج سرمایه‌ای مقدار خیلی کمی (فقط چند هزارم) از ۰/۰۵ بیشتر است لذا می‌توان با ۹۰٪ اطمینان عنوان نمود که مخارج سرمایه‌ای ارتباط معناداری با توانایی مدیریت دارد. سایر متغیرهای کنترلی اعم از اندازه شرکت، اهرم مالی، رشد فروش، عدم تغییر مدیرعامل، دوگانگی مدیرعامل و تحصیلات مدیرعامل ارتباط معناداری با توانایی مدیریت ندارند چون سطح معناداری آنها از مقدار مجاز (۰/۰۵) بیشتر است.

جدول ۶-آزمون فرضیه سوم پژوهش

متغیر وابسته: عملکرد شرکت (TQ) و متغیر میانجی: توانایی مدیریتی (MA)				
متغیرها	ضریب	خطا	آماره t استیودنت	سطح معناداری آماره t استیودنت
C	۱/۹۴	۰/۳۵	۵/۴۸	۰/۰۰۰۰
CEOTenure	۰/۰۳	۰/۰۱	۱/۹۷	۰/۰۴۸۲
MA	۱/۳۹	۰/۴۵	۳/۰۵	۰/۰۰۲۴
LogTA	-۰/۰۱	۰/۰۲	-۰/۴۳	۰/۶۶۴۵
CapEx	۰/۲۱	۰/۱۱	۱/۹۳	۰/۰۵۳۶
Leverage	-۰/۵۷	۰/۱۴	-۳/۹۰	۰/۰۰۰۱
Growth	۰/۱۳	۰/۰۶	۲/۲۵	۰/۰۲۴۴
CEOout	-۰/۱۱	۰/۰۶	-۱/۹۱	۰/۰۵۵۸
CEODual	-۰/۵۶	۰/۲۸	-۱/۹۷	۰/۰۴۸۹
CEOeduc	۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۳۷	۰/۷۰۹۴
ضریب تعیین	۰/۳۴۴۶	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۳۴۰	
آماره F	۴/۲۰	سطح معناداری آماره F	۰/۰۰۰۰	
آماره دوربین واتسون		۱/۶۱		

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به اینکه ضریب متغیر دوره تصدی مدیرعامل در قسمت قبل (تحلیل فرضیه دوم جدول ۵) مورد پذیرش واقع شد و مشخص شد که دوره تصدی مدیرعامل بر توانایی مدیریتی تأثیرگذار است، و با توجه به توضیحات مندرج در قسمت سطح معناداری متغیر مستقل (تجربیات مدیرعامل) و سطح معناداری متغیر میانجی (توانایی مدیریتی) مشخص شدن ارتباط بین تجربیات مدیرعامل با عملکرد شرکت و همچنین ارتباط بین توانایی مدیریتی با عملکرد شرکت، می‌توان اظهار داشت که فرضیه ۱-۳ مورد پذیرش قرار می‌گیرد و می‌توان بیان داشت که نقش میانجی (واسطه‌ای) توانایی مدیریتی بر ارتباط بین تجربیات مدیرعامل و عملکرد شرکت جزئی است.

ولی فرضیه‌ی ۲-۳ مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد و چون نقش میانجی (واسطه‌ای) توانایی مدیریتی بر ارتباط بین تجربیات مدیرعامل و عملکرد شرکت کامل نیست. اگر فقط سطح معناداری توانایی مدیریتی کمتر از ۰/۰۵ و سطح معناداری دوره تصدی مدیرعامل بیشتر از ۰/۰۵ حاصل می‌گردید، نقش میانجی (واسطه‌ای) توانایی مدیریتی بر ارتباط بین تجربیات مدیرعامل و عملکرد شرکت کامل و فرضیه ۲-۳ تأیید می‌شد که این شرایط حاکم نیست.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

۶-۱. نتیجه‌گیری

فرضیه اول پژوهش عبارت است از: تجربیات مدیرعامل با عملکرد شرکت ارتباط معناداری دارد. نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه اول حاکی از آن است که تجربیات مدیرعامل با عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط معناداری دارد و لذا این فرضیه تأیید شد. در راستای تحلیل این فرضیه می‌توان بیان داشت که با افزایش تجربه‌ی مدیرعامل به واسطه‌ی افزایش سال‌های تصدی وی در شرکت، عملکرد شرکت افزایش می‌یابد و دلیل آن را می‌توان این گونه بیان داشت، زمانی که دوره تصدی مدیر در شرکت بیشتر می‌شود، علاوه بر اینکه وی تسلط و شناخت بیشتری از فعالیت‌های شرکت حاصل می‌کند، خود را عضوی از شرکت می‌پندارد و علاقه‌ی بیشتری نسبت به شرکت پیدا می‌کند و همین امر سبب می‌شود تا تلاش بیشتری برای بهبود عملکرد سازمان داشته باشد و در هنگام اخذ تصمیمات شرکت، سعی می‌کند منافع شخصی حاصل از تصمیمات را در نظر نگیرد و به فکر افزایش ثروت سهامداران، ارتقای جایگاه شرکت در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که این قضیه با افزایش سودآوری و عملکرد شرکت حاصل می‌شود. نتیجه فرضیه‌ی اول پژوهش حاکی از آن است که تجربیات مدیرعامل با عملکرد شرکت ارتباط معناداری دارد. نتیجه این فرضیه با نتیجه پژوهش‌های خو و همکاران (۲۰۲۲)، رحمان و چن (۲۰۲۲)، پوربختیاری و همکاران (۱۳۹۷)، آقابگی بلداجی (۱۳۹۹)، هم‌راستا می‌باشد.

فرضیه دوم پژوهش عبارت است از: تجربیات مدیرعامل با توانایی مدیریتی ارتباط معناداری دارد. نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه دوم حاکی از آن است که تجربیات مدیرعامل با توانایی مدیران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط معناداری دارد و لذا این فرضیه تأیید شد. در راستای تحلیل این فرضیه می‌توان بیان داشت که با افزایش تجربه‌ی مدیرعامل به واسطه‌ی افزایش سال‌های تصدی وی در شرکت، توانمندی او افزایش پیدا می‌کند. زیرا هر چه یک شخص سال‌های بیشتری در پُست مدیرعاملی شرکت قرار می‌گیرد، به مرور زمان تصمیماتی را اخذ می‌کند که با

شناخت بهتری از شرکت، رقبا، صنعت و بازار بورس می‌باشد، و همچنین با الگوبرداری از شرکت‌ها و مدیران مختلف می‌تواند قسمتی از توانمندی را که اکتسابی است را آموزش ببیند و لذا می‌توان بیان داشت که این شخص به توانایی بیشتری رسیده است. نتیجه فرضیه دوم پژوهش حاکی از آن است که تجربیات مدیرعامل با توانایی مدیریتی ارتباط معناداری دارد. نتیجه این فرضیه با نتیجه پژوهش خو و همکاران (۲۰۲۲) هم‌راستا می‌باشد.

فرضیه دوم پژوهش عبارت است از: توانایی مدیریت نقش میانجی بر ارتباط بین تجربیات مدیرعامل با عملکرد شرکت دارد. نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه سوم حاکی از آن است که توانایی مدیریت نقش میانجی بر ارتباط بین تجربیات مدیرعامل با عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. با توجه به اینکه این نقش میانجی (همانگونه که در فصل قبل شرح داده شد) جزئی است، می‌توان نتیجه این فرضیه را به این صورت عنوان کرد: توانایی مدیریت نقش میانجی جزئی بر ارتباط بین تجربیات مدیرعامل با عملکرد شرکت دارد. در راستای تحلیل این فرضیه نیز می‌توان عنوان نمود که با ایش تجربه‌ی مدیرعامل به واسطه‌ی افزایش سال‌های تصدی وی در شرکت، توانمندی او افزایش یافته و با افزایش توانایی مدیریت، عملکرد شرکت بهبود می‌یابد. نتیجه فرضیه سوم پژوهش حاکی از آن است که توانایی مدیریت نقش میانجی بر ارتباط بین تجربیات مدیرعامل با عملکرد شرکت دارد. نتیجه این فرضیه با نتیجه پژوهش خو و همکاران (۲۰۲۲) هم‌راستا می‌باشد.

۲-۶. پیشنهادهای پژوهش

با توجه به ارتباط مستقیم بین تجربیات مدیرعامل و عملکرد شرکت و همچنین ارتباط تجربیات مدیرعامل به واسطه‌ی توانایی مدیریتی با عملکرد شرکت، لذا به سرمایه‌گذارانی که قصد سرمایه‌گذاری در بین شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران را دارند، پیشنهاد می‌گردد قبل از انتخاب شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاری، علاوه بر اینکه نسبت‌های مالی شرکت‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهند، به دوره تصدی مدیرعامل شرکت طی سال‌های اخیر نیز توجه کنند، زیرا هر چه مدیرعامل تعداد سال‌های بیشتری در شرکت حضور داشته باشد، به بهبود عملکرد شرکت کمک می‌کند و این امر می‌تواند در سال‌های آتی به سود سهامداران باشد، چون به هدف خود که حداکثر شدن ثروت است، دست پیدا می‌کند.

با توجه به ارتباط مستقیم بین تجربیات مدیرعامل و توانایی مدیریتی، لذا به اعضای هیأت مدیره‌ی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌گردد، سعی کنند تا حدالامکان جابجایی و تغییر کمتری برای این پُست سازمانی (مدیرعاملی) صورت بگیرد تا بدین واسطه با حضور مدیرعامل در شرکت طی دوره‌های طولانی‌تر، توانایی وی افزایش یابد.

۳-۶. پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

پیشنهاد می‌گردد نقش توانایی مدیریتی بر ارتباط بین تخصص مالی مدیرعامل و عملکرد شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گیرد.

پیشنهاد می‌گردد نقش توانایی مدیریتی بر ارتباط بین شاخص‌های مالی رفتاری مدیرعامل (نظیر: خودشیفتگی مدیرعامل، اعتماد بیش از حد مدیرعامل و غرور مدیرعامل) و عملکرد شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گیرد.

پیشنهاد می‌گردد نقش توانایی مدیریتی بر ارتباط بین تجربیات مدیرعامل و ارزش شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گیرد.

پیشنهاد می‌گردد نقش توانایی مدیریتی بر ارتباط بین تجربیات مدیرعامل و سایر شاخص‌های عملکرد مالی (نظیر بازده کل دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام) شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گیرد.

پیشنهاد می‌گردد نقش توانایی مدیریتی بر ارتباط بین تجربیات مدیرعامل و عملکرد شرکت‌ها به تفکیک صنایع مختلف بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گیرد.

منابع و مآخذ

- آقابگی بلداجی، مریم، ۱۳۹۹، تاثیر دوگانگی وظیفه، دوره تصدی و تخصص مدیر عامل بر عملکرد شرکت با در نظر گرفتن نقش تعدیلی ساختار سرمایه، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: سیدعباس هاشمی، مؤسسه آموزش عالی هشت بهشت، گروه حسابداری
- پوربختیاری، ایوب؛ باغجری، محمود و قاسمی، قاسم، ۱۳۹۷، توانایی مدیرعامل و عملکرد شرکت، کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری مطالعات حقوقی و اجتماعی، ایران.
- دباغ، رحیم؛ مولایی، حبیب و طاهری، میرامید، ۱۴۰۲، تأثیر توانایی مدیریت بر عملکرد شرکت با توجه به نقش میانجی ساختار سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نهمین کنفرانس بین‌المللی علوم مدیریت و حسابداری، ایران.
- رحمانیان کوشکی، عبدالرسول و سلکی، سجاد، ۱۴۰۰، بررسی تأثیر نقش میانجی رقابت در بازار محصول و ساختار سرمایه بر رابطه بین دوگانگی مدیرعامل و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله توسعه و سرمایه، دوره ۶، شماره ۲: ۲۰۱-۲۲۶.
- رشیدی، مهشید، ۱۴۰۲، بررسی رابطه توانایی مدیریتی و نوسان‌پذیری عملکرد با تأکید بر آشفتگی مالی، فصلنامه چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۶، شماره ۷: ۱-۱۱.
- فروغی، عارف و رحیمی، علیرضا، ۱۴۰۰، بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله توسعه و سرمایه، دوره ۶، شماره ۱: ۲۳۱-۲۴۷.
- کوشا، شریف؛ خزدوزی، پویا و مقصودی، افشین، ۱۴۰۱، تأثیر ارتباطات سیاسی و جنسیت مدیر عامل بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دومین همایش ملی بهبود و بازسازی سازمان و کسب و کار، ایران.
- کوهپایه، سیدمحسن؛ غلامی، دانیال؛ صابری جو، صمد و حبیبی، منیژه، ۱۴۰۰، بررسی رابطه بین دوگانگی مدیر عامل و عملکرد مالی با نقش میانجی رقابت در بازار محصول شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری، دوره ۶، شماره ۲۲.
- گل محمدی شورکی، مجتبی و جعفری، رضا، ۱۴۰۰، بررسی رابطه بین افق شغلی مدیرعامل و توانایی مدیریت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، چهارمین کنفرانس بین‌المللی سالانه تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، ایران.
- معصومی کیان، مهران و یگانه، آرزو، ۱۴۰۱، رابطه توانایی مدیریت و فرصت‌های رشد با عملکرد شرکت‌ها در عرضه اولیه، نهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، حسابداری و توسعه اقتصادی، ایران.

مظفری، محمدمهدی؛ اجلی، مهدی و گرمه‌ای، راحیل، ۱۳۹۸، ارتباط گرایش به کارآفرینی، رقابت بازاریابی و عملکرد شرکت با نقش تعدیلگر شدت رقابت در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات و نرم‌افزارهای رایانه‌ای، فصلنامه علمی مطالعات مدیریت کسب‌وکار هوشمند، سال هفتم، شماره ۲۷، ۵۹-۱۰۲.

نعیمی، امیر، ۱۴۰۰، بررسی رابطه غیرخطی بین خودشیفتگی مدیرعامل و انحراف معیار عملکرد مالی با توجه به دوگانگی شغل مدیرعامل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام رضا علیه‌السلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

Andreou. P. C., 2017. Managerial Ability and Firm Performance: Evidence from the Global Financial Crisis. SSRN Electronic Journal.

Buhtta. A. I, Sheykh. M. F, Munir. A, Naz. A, and Saif. I., 2021. Managerial ability and firm performance: Evidence from an emerging market. Cogent Business & Management. Vol. 8 (1).

Chen, S.S. and Lin, C.Y. 2018. Managerial ability and acquirer returns. The Quarterly Review of Economics and Finance. Vol. 68,: 171-182.

Colak. G, and Liljeblom. E., 2022. Easy Clean-ups or Forbearing Improvements: The Effect of CEO Tenure on Successor's Performance. Journal of Financial Stability, Forthcoming, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4346975>

Demerjian. P, Lev. B, Lewis. M, and Mc Vay. S., 2012. Managerial Ability and Earnings Quality. The Accounting Review. American Accounting Association. Vol. 88 (2),: 463-498.

Hamid. N, and Pubwangsa. B. A., 2022. Impact of the Board of Directors on Financial Performance and Company Capital: Risk Management as an Intervening Variable. Journal of Co-Operative Organizational and Management. Vol. 10 (2).

Kartikasari. D, and Merianti. M., 2016. The Effect of Leverage and Firm Size to Profitability of Public Manufacturing Companies in Indonesia. International Journal of Economics and Financial Issues. Vol. 6 (2),: 409-413.

Naseem, M.A., Lin, J., Rehman, R., Ahmad, M.I. and Ali, R. 2020. Does capital structure mediate the link between CEO characteristics and firm performance?. Management Decision, Vol. 58 (1),: 164-181.

Nazliben. K. K, Renneboog. L, and Uduwalage. E., 2023. CEO social power, board inclusiveness, and corporate performance after ethnic conflicts. Emerging Markets Review. Vol. 56.

Rahman. M. J, and Chen. X., 2022. CEO Characteristics and Firm Performance: Evidence from Private Listed. Firms in China. Corporate Governance. Vol. Ahead-of-Print. No. Ahead-of-Print.

Shan. B, Liu. X, Chen. B, and Ma.J., 2023. CEO narcissism and corporate performance in China. China Economic Review. Vol. 79.

Suherman, S., Mahfirah, T.F., Usman, B., Kurniawati, H. and Kurnianti, D. 2023. CEO characteristics and firm performance: evidence from a Southeast Asian country. Corporate Governance, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/CG-05-2022-0205>

Ting. I. W. K, Tebouri. I, Lu. W. M, and Kweh. Q. L., 2021. The effects of managerial ability on firm performance and the mediating role of capital structure: evidence from Taiwan. Financial Innovation. Vol. 89.

- Vuong. N. B,. 2022. Investor sentiment, corporate social responsibility, and financial performance: Evidence from Japanese companies. *Borsa Istanbul Review*. Vol. 22 (5),: 911-924.
- Xu. Q, Fernando. G. D, and Schneible. R. A,. 2022. Age diversity, firm performance and managerial ability. *Review of Accounting and Finance*. Vol. 21 (4).
- Ye. R, Chen.Y, and Kelly.K. A,. 2023. The effects of firm performance on CEO compensation and CEO pay ratio before and during COVID-19. *Research in Economics*.Vol. 77 (4).
- Zahid, R.M.A., Khan, M.K. and Kaleem, M.S. 2023. Skilled managers and capital financing decisions: navigating Chinese firms through financing constraints and growth opportunities. *Kybernetes*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/K-02-2023-0268>

The Role of Managerial Ability on the Relationship between CEO Tenure and Firm Performance

Nafise Jamalifar *¹

Mahdi Khalili ²

Mahdi Keshavarz ³

Abstract

The CEO is known as the highest executive position in a company, and one of the characteristics of the CEO can be called his tenure; The tenure of the CEO is another very important characteristic of the CEO that affects the performance of the company. A longer tenure helps the CEO to prove his skills in a period of economic prosperity or recession. Management ability; It is the talent, skill and effort used by the CEO or senior managers of the company to make successful business decisions. Managers' skills, knowledge, and experiences can create cognitive conflict that group decision making can benefit from, therefore, CEO tenure affects managerial ability, which is also effective on company performance through managerial ability. The aim of this study; Investigating the role of managerial ability on the relationship between the experience of the CEO and the performance of companies admitted to the Tehran Stock Exchange. In this research, the model of Demirjian et al. (2012) was used to measure managerial ability, the CEO's experiences from the CEO's tenure and the return on equity index were used to measure the company's performance. The statistical sample includes 82 companies during the period of 1391 to 1400. Hypotheses testing was performed using linear regression and using Eviuz software. The results of the research showed that the experience of the CEO has a direct and significant relationship with the company's performance and management ability, and also that management ability has a partial mediating role on the relationship between the experience of the CEO and the company's performance.

Keywords

Managerial Ability, CEO Experiences, Company Performance

1. Masters Candidate, Department of Management and Accounting, Raja University, Qazvin, Iran.

Jamalifarsonia@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Management and Accounting, Raja University, Qazvin, Iran.

Khalilimehdi@yahoo.com.

3. Associate Professor, Department of Management and Accounting, Raja University, Qazvin, Iran.

Keshavarz20@yahoo.com